

گم‌گشته‌ها در تحصیل فرزندان

دکتر حسن مظاهری

مدارس باید زمینه حضور فعال خانواده‌ها و مشارکت همه‌جانبه آن‌ها را در تمام سطوح تصمیم‌گیری فراهم کنند. و در ادامه آمده است: «خانواده‌ها باید بتوانند متناسب با اهداف هر یک از دوره‌های تحصیلی و تحت نظارت و با هماهنگی مدرسه، در غنی‌سازی برنامه‌ها و تدارک فرصت‌های تربیتی در داخل یا خارج از مدرسه مشارکت داشته باشند.» همچنین، در ذیل کنشگری خانواده، دو مؤلفه بیان شده است: ۱. هم‌آوایی تربیت بین خانواده و مدرسه؛ ۲. مشارکت مدیریتی و تربیتی خانواده. در بخش کنشگری جامعه محلی نیز آمده است: «مدارس به عنوان کانون تعلیم و تربیت برای تدارک فرصت‌های آموزش و تربیت نیازمند مشارکت جامعه محلی و ایفای نقش مسئولانه آنان در بسترسازی و پشتیبانی از جریان تعلیم و تربیت در مدرسه هستند. شوراهای شهر و روستا، شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، مساجد و دیگر نهادهای محلی باید بخشی از منابع و فعالیت‌های خود را در راستای انتظارات مدارس سازمان‌دهی نمایند.» متقابلاً مدارس به عنوان کانون تربیتی محله باید با برنامه‌ریزی نقش خود را در پیشرفت محله ایفا کنند. برای جامعه محلی دو مؤلفه مشارکت خانواده و جامعه محلی، مربیان و متریبان در اداره مدرسه می‌باشد. به عبارت دیگر، مدرسه جهت تحقق مأموریت و اهداف خود در هر یک از دوره‌های تحصیلی، نیازمند مشارکت عوامل سهیم و مؤثر، به ویژه چهار رکن خانواده، دولت، رسانه و نهادها و سازمان‌های غیردولتی است.» در این میان، به‌طور مشخص خانواده، جامعه محلی، مربیان و متریبان به عنوان کنشگران اصلی تلقی می‌شوند که باید با محوریت مدیر مدرسه، زمینه انسجام، هماهنگی و هم‌افزایی آن‌ها را در راستای تحقق اهداف هر یک از دوره‌های تحصیلی فراهم کرد. در بخش کنشگری خانواده نیز آمده است: «خانواده یکی از ارکان نظام آموزش و پرورش و مدارس تلقی می‌شود و خانواده‌ها باید با کسب شایستگی‌های لازم در تربیت فرزندان خود، در مدرسه مشارکت فعال داشته باشند. ...

اخیراً در راستای اجرایی‌سازی اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش که نقشه راه عملیاتی‌سازی اسناد تحول بنیادین در دستور کار است، الگویی با عنوان «مدرسه در تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» طراحی و تدوین شده است. در این الگو پنج بُعد اصلی مدرسه شامل مدیریت و رهبری تربیتی، کنش‌گران، برنامه درسی، محیط تربیت و بالاخره یادگیری و نتایج مورد انتظار بیان شده‌اند. برای ابعاد فوق مؤلفه‌ها، و برای مؤلفه‌ها شاخص‌هایی تعیین شده‌اند که با کمک آن‌ها می‌توان به نوعی مدارس را ارزیابی کرد. البته این ارزیابی با هدف رتبه‌بندی آن‌ها در درجات یک و دو و... نیست، بلکه ارزیابی مدرسه با خودش و تعیین وضعیت مدرسه و میزان رشد آن نسبت به وضع مطلوب است.

در بُعد کنشگران، که خانواده و جامعه محلی به عنوان کنشگران اصلی معرفی شده‌اند، در این خصوص از متن سند تحول چنین آورده شده است: «مدرسه به عنوان کانون عمل و جلوه عینی نظام تربیت رسمی و عمومی، نقطه اتکای دولت و ملت در رشد و تعالی و پیشرفت کشور، کانون تربیتی محله، نیازمند مشارکت خانواده و جامعه محلی، مربیان و متریبان در اداره مدرسه می‌باشد. به عبارت دیگر، مدرسه جهت تحقق مأموریت و اهداف خود در هر یک از دوره‌های تحصیلی، نیازمند مشارکت عوامل سهیم و مؤثر، به ویژه چهار رکن خانواده، دولت، رسانه و نهادها و سازمان‌های غیردولتی است.» در این میان، به‌طور مشخص خانواده، جامعه محلی، مربیان و متریبان به عنوان کنشگران اصلی تلقی می‌شوند که باید با محوریت مدیر مدرسه، زمینه انسجام، هماهنگی و هم‌افزایی آن‌ها را در راستای تحقق اهداف هر یک از دوره‌های تحصیلی فراهم کرد. در بخش کنشگری خانواده نیز آمده است: «خانواده یکی از ارکان نظام آموزش و پرورش و مدارس تلقی می‌شود و خانواده‌ها باید با کسب شایستگی‌های لازم در تربیت فرزندان خود، در مدرسه مشارکت فعال داشته باشند. ...



مشارکت این کنشگران تربیتی را فراهم آورد.

اما نکته قابل توجه اینکه اسناد تحولی، از جمله سند تحول بنیادین و سند مبانی نظری تحول در تعلیم و تربیت و مصوبات و قوانین مطرح در آموزش و پرورش، همچون «آیین‌نامه اجرایی مدارس» که در آن به وظایف و اختیارات انجمن اولیا و مربیان و نقش آفرینی والدین دانش‌آموزان اشاره داشته است، حکایت از تأکید بر ضرورت نقش آفرینی خانواده به عنوان نهاد اصلی متولی تربیت فرزندان، در نظام تعلیم و تربیت دارد. به عبارت دیگر، همان‌طور که اسناد تحول بنیادین «تربیت را وظیفه اصلی خانواده» دانسته‌اند، باید گفت خانواده بایستی در تمام تار و پود نظام تعلیم و تربیت نقش و حضور داشته باشد. به عبارت واضح‌تر خانواده در پنج بعد اصلی الگوی مدرسه، در تراز نقش آفرین است. چون وقتی در «آیین‌نامه اجرایی مدارس»، وجود انجمن اولیا و مربیان در مدرسه به منظور مشارکت در تصمیم‌گیری و مدیریت مدرسه، قانون شده است، یعنی خانواده در مدیریت و رهبری مدرسه (به عنوان بُعد اول مدرسه در تراز) نقش دارد. وقتی خانواده به عنوان یکی از عناصر اصلی راهنمای برنامه درسی حوزه‌های تربیت و یادگیری مطرح شده است، به

این معناست که باید در برنامه‌های درسی و تربیتی نقش ایفا کند (بُعد دوم الگوی مدرسه در تراز). وقتی خانواده و جامعه محلی (شامل خانواده‌ها در شکل رسمی) به عنوان کنشگران (به عنوان بُعد سوم) الگوی مدرسه در تراز آمده است، یعنی خانواده نقش آفرین است. وقتی خانه و محیط در اختیار خانواده بخشی از محیط تربیت و یادگیری (بُعد چهارم الگو) محسوب می‌شود، یعنی خانواده در این بُعد هم نقش آفرین است. و بالاخره وقتی خانواده عاملی مؤثر در نتایج مدرسه (به عنوان بُعد پنجم) است، هم در پیشبرد برنامه‌های مدرسه و هم در رشد و پیشرفت فرزندان خود مؤثر خواهد بود. ضمن اینکه خانواده به عنوان زیرمجموعه بُعد نتایج سه مؤلفه ۱. شایستگی تربیتی اولیا، ۲. اثربخشی مدرسه در پیشرفت محلی و کاهش آسیب‌های اجتماعی و ۳. اعتماد و اطمینان، دارد که نشان می‌دهد خانواده مهم است، مهم است، مهم است! پس آموزش و پرورش باید آن را دریابد...

لطفاً اگر فرصت کردید با پویش رمزینة مقابل و دسترسی به متن سند، الگوی مدرسه تراز سند تحول را که حدود ۹۰ صفحه است، مطالعه فرمایید.

پویش کنید و با الگوی مدرسه تراز سند تحول آشنا شوید.

